«مدیریت شهری» در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با استاد دانشگاه تهران

# تهران: نمایشگاه تجاری شهر

ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

**الان که آرشیو گزارش‌های قبلی «فرهیختگان» در حوزه مدیریت شهری را مرور می‌کنم، حداقل بیش از ۱۰ گزارش می‌بینم که قبل‌تر نوشته و مقدمه گزارش‌ها را با اهمیت مساله مدیریت شهری شروع کرده‌ام؛ مساله‌ای که متاسفانه انتخابات و تصمیم‌گیری در ارتباط با آن همیشه زیر سایه انتخابات ریاست‌جمهوری کم و ساده انگاشته می‌شود. البته هرقدر هم که این‌طور باشد، ما زور می‌زنیم که به حد وسع، حساسیت‌ها را نسبت به این مساله و انتخاب مدیران شهری بالاتر ببریم و پس‌فردا که مردم و شهروندان، در شهر و روستا از مسائل مختلف ناراضی و گلایه‌مند بودند، ارجاع بدهیم به همین مشدارهایی که جدی گرفته نشده نمی‌شود. مدعی از نحوه مدیریت اینها هستیم. القصه پیرو تشریح و تحلیل وضعیت مدیریت شهری و ارائه راهکار برای حرکت در مسیر وضعیت مطلوب با سیدمجید حسینی، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه تهران گفت‌وگوی مفصلی داشتیم و او توضیحاتی در این ارتباط به «فرهیختگان» داد.**

## مدیریت شهری فعلی در ابتدای مسیر مدیریت دوسوم شهروندان را حذف می‌کند

حسینی ابتدا به شرح وضعیت موجود پرداخت و در ارتباط با مدیریت شهری در ایران و خصوصا تهران گفت: «مشخصا از بعد جنگ ریوکردی در مدیریت شهری حاکم شده که از نظر من این رویکرد را در کشورهای غربی کنار گذاشتند، یعنی تقریبا در ۱۰۰ سال اخیر در غرب حاکم نیست. رویکرد این است که توسعه شهری را توسعه انوبان‌ها، پل‌ها، تونل‌ها و امثالهم تلقی می‌کند. به‌خاطر این نگاه به توسعه شهری آنچه را بافت اجتماعی این شهر است، به‌هم می‌زند. اولویت را به این می‌دهد که این پل‌ها و تونل‌ها باید ساخته شود، پس برای اینکه اینها خواسته و ساخته شوند باید در آمزانیی کرد. درست است که ظاهرا مساله پل‌ها و تونل‌ها و ساخوز باز وجود دارد اما اینو الواقع مساله اصلی در آمدزایی است، یعنی در رویکرد نخست دائما شهر فروش می‌رود، مجوزهای برج‌های تجاری داده می‌شود و باغ‌ها تخریب و اماکن عمومی عمومی می‌شوند، ظاهرا برای اینکه پل‌ها، تونل‌ها و انوبان‌ها ساخته شوند اما مساله اصلی درآمد است. در این ایده شهر یک محیطی برای حرکت سواره است، یعنی ما دائما باید گره‌های حرکت سواره و ماشین را باز کنیم. حرکت ساکنان و غیرساکنان که در این شهر هستند باید دائما سرعت یابد. سر چهارراه‌ها باز و مپ ایجاد شود و... عملا ضلع ایمن ماشین باید باز شود. وقتی این اتفاقات قرار است بیفتد و عملا در دوسوم شهر ماشین ندارند، یعنی از نقطه ابتدای ایده در خدمت دوسوم شهر نیستند و باید دائما کارمندان کارها را به بخش عمومی برون‌سپاری می‌کنند و پیمانکار می‌گیرند. در این فرآیند وقتی سرمایه به شهر هجوم می‌آورد یک اتفاق می‌افتد؟ زمین‌ها از ساکنان قدیمی آرام‌آرام به‌حومه سلب مالکیت می‌شوند. اول با قیمت ارزان در منطقه ۵ می‌خرند. در هنـدی و... هم مات می‌شوند ۱۰ تومان می‌خرند. ابتدا اقطالیت می‌کنند اما آنجا برج می‌سازند و تراکم می‌خرند و قیمت را ۱۰۰ برابر می‌کنند. به‌تدریج ساکنان قدیمی چون زمین‌ها را فروختند از شهر اخراج می‌شوند و به حومه‌های شهری می‌روند. آن زمان شاهد هستید کنار شهر هشت‌میلیونی تهران قلعه‌حسن‌خان ۷۰۰ هزار نفری که از بزد بزرگ‌تر است، شکل می‌گیرد. این حاشیه‌نشینی شهری زیک استان بزرگ‌تر است. ساکنان قدیمی آرام‌آرام به‌حومه رانده می‌شوند و در شهر اشرافی‌سازی اتفاق می‌افتد.»

## تهران، چیزی شبیه نیویورک در مساله شکاف اجتماعی

عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران در ارتباط با سکونت و رفت‌وآمد شهروندان به حومه شهرها، خصوصا در کلانشهر تهران گفت: «حومه‌ها تبدیل به مرکز کارگرانی می‌شوند که باید در کارخانه کار می‌کردند اما الان در شهر خدمات می‌دهند. مجتمع‌های مسکونی بدون خدمات عمومی مانند مدرسه، مسجد و... اطراف شهرهای بزرگ شکل می‌گیرند. حجم وسیعی از مجتمع‌های مسکونی بدون خدمات و بی‌کیفیت اطراف تهران ساخته شده که برای کارگران شهری است. هر صبح این کارگران را از حومه‌ها جمع می‌کنند و به تهران می‌آورند. اتومان کرج چرا هر صبح و هر بعدازظهر دارای ترافیک شدید است؟ چون کارکرد اتومان در این نظم این است که کارگر بیاورد. اسم اینها ظاهرا کارگر نیست ولی همگی کارگران سرمایه شهری هستند. این سرمایه شهری حاضر نیست پول مسکن داشتن اینها را در شهرها پرداخت کند، پس اینها باید به حومه بروند و چون تهران گران می‌شود حومه هم گران می‌شود و باید اینها حومه‌تر بروند، یعنی اگر سال قبل با یک ساعت فاصله به تهران می‌رسید، سال جدید با دو ساعت فاصله به تهران می‌رسید. جالب است که شبیه الگوی ۱۰۰ سال قبل نیویورک است. نیویورک را می‌گویند دو ساعت دارد؛ ساعتی که کارگران به شـهر می‌آیند که معمولا چهـار تا پنج صبح باید حرکت کنند و به شـهر برسند و شهر را گرم کنند و دیگری ساعت هشت است که وال‌استریتی‌ها، منهتنی‌ها، بورسی‌ها، بانکی‌ها و دانشگاهی‌ها به شهر می‌آیند. بعدازظهر هم این چنین است که ساعت ۶ سوسول‌های شهری به خانه می‌روند و کارگران تا ۱۲ شـب کارهای شهری را می‌کنند و آن زمان به حاشیه شهر می‌روند تا اسـتراحت کنند. این اتفاق نیویورک است و دقیقا تهران به این شـکل است؛ شهر سرمایه‌دار آنه است. پیامدها چیست؟ تخریب فضاهای عمومی مسـکونی، تخریب باغ‌ها، کاسته شدن از فضای عمومی غیرتجاری و... پارک هم بخواهید در شهر استفاده کنید شهر دچار نولیبرال‌الگویی که در برخی کشورهای غربی وجود داشته است، یکی از الگوهای تکراری همین است که سرمایه را حوزه مسکن ببرید. اینکه مسکن دوطبقه‌ای را دوباره دوطبقه‌ای بسازید سـودی ندارد، آن هم بدون تجریـه نما. مسکن زمانی سود دارد که دوطبقه را ۲۰ طبقه کنید ۱۰۰ طبقه را با قانون بسازید و ۱۰ طبقه را هم رشوه بدهید و بسازید. اتفاقا اصل سود همان شود که رشوه دادیدبایه کمیسیون ماده۵ پول دادید. کم کم شهر آنقدر در خدمت سرمایه و ثروتمند قرار می‌گیرد که تخلف یعنی کمیسیون ماده ۵ دائما سرعت یابد. سر چهارراه‌ها زور مپ ایجاد شود و... عملا ضلع ایمن ماشین باید باز شود. وقتی این اتفاقات قرار است بیفتد و عملا در دوسوم شهر ماشین ندارند، یعنی از نقطه ابتدای ایده در خدمت دوسوم شهر نیستند و باید دائما کارمندان کارها را به بخش عمومی برون‌سپاری می‌کنند و پیمانکار می‌گیرند. در این فرآیند وقتی سرمایه به شهر هجوم می‌آورد یک اتفاق می‌افتد؟ زمین‌ها از ساکنان قدیمی آرام‌آرام به‌حومه سلب مالکیت می‌شوند. اول با قیمت ارزان در منطقه ۵ می‌خرند. در هنـدی و... هم مات می‌شوند ۱۰ تومان می‌خرند. ابتدا اقطالیت می‌کنند اما آنجا برج می‌سـازند و تراکم می‌خرند و قیمت را ۱۰۰ برابر می‌کنند. به‌تدریج ساکنان قدیمی چون زمین‌ها را فروختند از شهر اخراج می‌شوند و به حومه‌های شهری می‌روند. آن زمان شاهد هستید کنار شهر هشت‌میلیونی تهران قلعه‌حسن‌خان ۷۰۰ هزار نفری که از بزد بزرگ‌تر است، شکل می‌گیرد. این حاشیه‌نشینی شهری زیک استان بزرگ‌تر است. ساکنان قدیمی آرام‌آرام به‌حومه رانده می‌شوند و در شهر اشرافی‌سازی اتفاق می‌افتد.»

## اصلاح‌طلبان تجاری‌سازی شهر را واکسینه می‌کنند

این جامعه‌شـناس افزود: «اصلاح‌طلبان ایـن را از ۹۶ تا ۱۴۰۰ طرح کردند که نمی‌خواهیم رویکرد تراکم‌فروشـی را ادامه دهیم و حالا می‌خواهیم رویکرد زیست‌شهری را ادامه دهیم. از نظر من اصلاح‌طلبان ورژن ضعیف‌شده ورژن اول هستند. یعنی درحقیقت اصلاح‌طلبان تجاری‌سازی شهر را واکسینه می‌کنند. چطور این کار را انجام می‌دهند؟ اینها با سیاست‌های فرهنگی تجاری‌سازی می‌کنند، به جای اینکه با مال‌های بزرگ شهر را تجاری‌سازی کنند به‌تدریج به‌مثابه بن مایه این سیاستگذاری شهری حوزه فرهنگ را تجاری‌سازی می‌کنند. گسـترش فضای تجاری درحال افزایش است. شهر، شهر کافه‌ها شده است؛ با ایجاد پیاده‌روهای تجاری فرهنگی، از ۳۰ تیر تا هرجایی که اسم فرهنگ را روی آن گذاشته‌اند وپول می‌گیرند؛ ایجاد اماکن تجاری همچون خانه‌های قدیمی که تبدیل به بوتیک هتل شده و خود شهردار تهران افتتاحش می‌کند و خانه قدیمی را به جای اینکه مرکز موزه کند، تبدیل به مهم‌ترین سازه تجاری می‌کند و بدان امکانات تجاری می‌دهد؛ درحالی که قیمت مسکن ده‌ها برابر شده است دوباره سیاست‌های تشویقی برای بازسازی بافت‌های فرسوده می‌گذارد و قیمت مسکن را کنترل نمی‌کند چون می‌خواهد تراکم بفروشد. درحقیقت دروغ می‌گوید که نمی‌خواهم تراکم بفروشـد چون همه سیاست‌هایی که به کار می‌گیرد در خدمت جاری‌سـازی امر عمومی اسـت. یک زمانی فرهنگ محل پولسازی نبود ولی الان کافه است که پول می‌سازد و بوتیک هتل و باغ کتاب است. بزرگ‌ترین مجموعه‌های فرهنگی شهر عمیقا تجاری‌سازی شده است. پر از رستوران و کافه و منابع دسترسی‌های متعدد مدیران شهری، تعلیق مدیریت شهری در شهرهای مختلف کشور، از بین رفتن زیست شهری و تفسیر در اکوسیستم شهرها و... همه ماحصل همین انتخاب‌هایی است که گاه بدون ذره‌ای حساسیت و صرفا از سر رفع مسئولیت انجام می‌دهیم و بعد هم حسابی مطالبه‌گر و مدعی‌اند هم‌ما هم‌ما دارد؟ این را ذیل فرهنگ آورده‌اند که شما نگویند تجاری‌سازی به‌نفع طبقات بالا می‌کنید. عمل‌فضاهای عمومی خیابان‌ها در مناطق شمال شهر به فضای خصوصی بدل شده است، حتی در پیاده‌روهایید بنشینید باید به رسـتوران پول بپردازید. تهران از نظر مدیریت شهری دهه ۹۰ اصلاح‌طلب باید شهری جذاب برای سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در املاک، در اماکن به‌ظاهر فرهنگی اما تجاری شهری باشد که به اندازه‌ای زندگی را در آن گران می‌کنند که طبقات فرودست چاره‌ای جز مهاجرت نداشته باشند. دولت به‌مثابه امنیت کاملا در اختیار بانک، اقلام عمومی را گران می‌کند. حالا مدیریت شهری هم‌سبک را به‌عنوان ۷۰ درصد سهد هزینه خانوار گران می‌کند. اتفاق اینها دست به دست هم دادند تا گران‌سازی کند. اتفاقی که می‌افتد این است که باید از شهر مهاجرت کنید. چقدر از شهر باید مهاجرت کنند؟ آیا پایانی دارد؟ در شـهری همانند تهران که در دهه ۵۰ و ۶۰ همیشه شکایت از مهاجرت بوده که مهاجرت به شهر زیاد است، مهاجرت منفی شده است. چه اتفاقی افتاده؟ اتنها مشکل این شهر این بود که مهاجرت به این شهر زیاد است. علی‌رغم اینکه این شهر این میزان پول دارد جرا حجم ساکنان شب در آن کم است؟ چون گران است؛ چون مسکن گران است و مسکن محل سرمایه است. عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ادامه گفت: «من نمی‌گویم اتفاقات خوب نیفتاده است. توسعه متروبکی از خوبترین اتفاقات این شهر است چون حمل‌ونقل عمومی است، توسعه انوبوسرانی یکی از بهترین اتفاقات است و در دوره‌های مختلف به‌خصوص دوره گالیباف اتفاق افتاده اما در دوره قالیباف در متروبه اندازه طرح پهلوی رسیدیم. این طراحی برای قبل از انقلاب است که به سطح آن رسیدیم، درحالی که باید به لحظه آنکه شهر برسیم که این حجم از متروبه اصلا جواب نمی‌دهد. در متروبه خبر است؟ متروبه چرخ گوشت طبقات پایین است. طبقات بالا یک‌سوم ماشین شخصی دارند و زندگی خود را می‌کنند و انوبان‌ها را برای آنها ساخته‌ایم. نمی‌خواهم بگویم در این سه دهه اتفاقاتی به‌نفع طبقات پایین نیفتاده است ولی ثمره کلی گریانسچی تا حتاجی تونل باید در دستور کار قرار گیرد. این شهر مدرسه در پهنه فرودست نیاز دارد. ۷۰ درصد مدرسه‌های بافت‌آباد غیراستاندارد و لاکچری است و در مدارس دولتی نمی‌توانید چنین مدرسه‌ای پیدا کنید. درحالی که پهنه پایین‌دست نه مدرسه دارد و نه فضاهای فرهنگی تجاری‌سـازی نشده. شما حتی در پایین شهر از تولید کتابخانه و قرائت‌خانه و اماکنی که فشار را کم می‌کند، سر باز زدید و به جای آن اگر سازه فرهنگی همچون فرهنگسـرا ساخته شده پول دریافت کردید. فرهنگسـرای بهمن را بابت تئاتری ساختید که از طبقه بالا بیایند و ۱۰۰ هزار تومان پول بدهند. درواقع مدیریت شـهری در سه دهه اخیر علاقه‌ای به توزیع منابع به‌صورت برابر نداشته است. از این بدتر علاقه‌ای به تولید منابع به‌صورت برابر نداشـته است. یعنی نه‌تنها در بازتوزیع ثروت‌یافت‌گی که در اختیار داشته، به‌صورت ناهمگون عمل کرده که‌توضیح می‌دهم چه‌شبهه‌هایی داشته، بلکه در تولید این منابع که درحقیقت سرمایه‌داری مسکن بوده نابرابر عمل کرده است. اگر ملک داشتید شریک مدیریت شهری بودید و اگر ملک نداشتید اخراج هستید و باید به پردیس و شهرهای اطراف بروید. درحقیقت مسـاله امروز شهر تهران نه برمبنای درآمدهای منطقه‌ای شـهر که باید برمبنای نرخ جمعیت سـاکنان و میزان دسترسی به سرانه شهری باشد. الان به طرز عجیبی چون منطقه هم‌جای آنی است. چه فرقی با مال دارد؟ این را ذیل فرهنگ آورده‌اند که شما نگویند تجاری‌سازی به‌نفع طبقات بالا می‌کنید. عمل‌فضاهای عمومی خیابان‌ها در مناطق شمال شهر به فضای خصوصی بدل شده است، حتی در پیاده‌روهایید بنشینید باید به رسـتوران پول بپردازید. تهران از نظر مدیریت شهری دهه ۹۰ اصلاح‌طلب باید شهری جذاب برای سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری در املاک، در اماکن به‌ظاهر فرهنگی اما تجاری شهری باشد که به اندازه‌ای زندگی را در آن گران می‌کنند که طبقات فرودست چاره‌ای جز مهاجرت نداشته باشند. دولت به‌مثابه امنیت کاملا در اختیار بانک، اقلام عمومی را گران می‌کند. حالا مدیریت شهری هم‌سبک را به‌عنوان ۷۰ درصد سهد هزینه خانوار گران می‌کند. اتفاق اینها دست به دست هم دادند تا گران‌سازی کند. اتفاقی که می‌افتد این است که باید از شهر مهاجرت کنید. چقدر از شهر باید مهاجرت کنند؟ آیا پایانی دارد؟ در شـهری همانند تهران که در دهه ۵۰ و ۶۰ همیشه شکایت از مهاجرت بوده که مهاجرت به شهر زیاد است، مهاجرت منفی شده است. چه اتفاقی افتاده؟ اتنها مشکل این شهر این بود که مهاجرت به این شهر زیاد است. علی‌رغم اینکه این شهر این میزان پول دارد جرا حجم ساکنان شب در آن کم است؟ چون گران است؛ چون مسکن گران است و مسکن محل سرمایه است. عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ادامه گفت: «من نمی‌گویم اتفاقات خوب نیفتاده است. توسعه متروبکی از خوبترین اتفاقات این شهر است چون حمل‌ونقل عمومی است، توسعه انوبوسرانی یکی از بهترین اتفاقات است و در دوره‌های مختلف به‌خصوص دوره گالیباف اتفاق افتاده اما در دوره قالیباف در متروبه اندازه طرح پهلوی رسیدیم. این طراحی برای قبل از انقلاب است که به سطح آن رسیدیم، درحالی که باید به لحظه آنکه شهر برسیم که این حجم از متروبه اصلا جواب نمی‌دهد. در متروبه خبر است؟ متروبه چرخ گوشت طبقات پایین است. طبقات بالا یک‌سوم ماشین شخصی دارند و زندگی خود را می‌کنند و انوبان‌ها را برای آنها ساخته‌ایم. نمی‌خواهم بگویم در این سه دهه اتفاقاتی به‌نفع طبقات پایین نیفتاده است ولی ثمره کلی گریانسچی تا حتاجی تونل باید در دستور کار قرار گیرد. این شهر مدرسه در پهنه فرودست نیاز دارد. ۷۰ درصد مدرسه‌های بافت‌آباد غیراستاندارد و لاکچری است و در مدارس دولتی نمی‌توانید چنین مدرسه‌ای پیدا کنید. درحالی که پهنه پایین‌دست نه مدرسه دارد و نه فضاهای فرهنگی تجاری‌سـازی نشده. شما حتی در پایین شهر از تولید کتابخانه و قرائت‌خانه و اماکنی که فشار را کم می‌کند، سر باز زدید و به جای آن اگر سازه فرهنگی همچون فرهنگسـرا ساخته شده پول دریافت کردید. فرهنگسـرای بهمن را بابت تئاتری ساختید که از طبقه بالا بیایند و ۱۰۰ هزار تومان پول بدهند. درواقع مدیریت شـهری در سه دهه اخیر علاقه‌ای به توزیع منابع به‌صورت برابر نداشته است. از این بدتر علاقه‌ای به تولید منابع به‌صورت برابر نداشـته است. یعنی نه‌تنها در بازتوزیع ثروت‌یافت‌گی که در اختیار داشته، به‌صورت ناهمگون عمل کرده که‌توضیح می‌دهم چه‌شبهه‌هایی داشته، بلکه در تولید این منابع که درحقیقت سرمایه‌داری مسکن بوده نابرابر عمل کرده است. اگر ملک داشتید شریک مدیریت شهری بودید و اگر ملک نداشتید اخراج هستید و باید به پردیس و شهرهای اطراف بروید. درحقیقت مسـاله امروز شهر تهران نه برمبنای درآمدهای منطقه‌ای شـهر که باید برمبنای نرخ جمعیت سـاکنان و میزان دسترسی به سرانه شهری باشد. الان به طرز عجیبی چون منطقه هم‌جای آنی است. چه فرقی با پایه‌دار و‌های تجاری، کافه‌گالری، بوتیک هتل و امثالهم دارد؟ بوتیک هتل

ادامه در صفحه ۱۵





ادامه از صفحه ۱۴

در این ادبیات توسـعه شـهری مغفول مانده می‌دانید چیست؟ خیر جمعی اسـت. منفعت کل چیست؟ درحقیقت خیر جمعی است که نشان می‌دهد سیاستگذاری در شهر باید برای چه کسی باشـد. درحقیقت سوال اصلی این است که سیاست شهر باید به نفع چه کسی باشد؟ تاکنون به نفع دو دهک بالای جامعه بوده و کل میلیاردهای ایران را در تهران جمع کرده اسـت، آن هم نه در ریخط انقلاب بلکه بـالای خط انقلاب! حتی بالای خط همت! بالای انوبان همت مرکز سرمایه کشور است و بیشترین حجم خلق نقدینگی در این بالای همت از طریق واه‌های بانکی به مسکن اتفاق افتاده است. درحقیقت مدیریت شهری منابعی در اختیار دارد که براساس رویکردی که به شهر دارد آنها را بازتوزیع می‌کند. این منابع چگونه باید توزیع شود و برای چه کسانی باید توزیع شود و چه هدفی داشته باشد که اکثریت مردم شهر از آن استفاده کنند؟ این سوال تاکنون پرسیده نشده است. در این سه دهه اخیر، مساله کوشش جهت افزایش سـرانه کیفیت زندگی در پهنه‌های کمتربرخوردار شهر تلاش برای کاستن تفاوت معنادار فضاهای کالبدی و شـمال و جنوب شهر، بازتوزیع منابع شهری به‌نفع محلات و مناطق کمتر توسعه‌یافته عملا در دستور کار قرار نداشته است. هرچند شعار آن داده شد؛ چراکه تا لحظه‌ای که توسعه شهری پل و انوبان حساب می‌شود تن پل و انوبان در جنوب شهر به خیر آنهاسـت. شهر جنوب شـهر انوبان بسازید چه می‌شود؟ زمین‌ها را گران کردید و همه آنها اجارەنشین هسـتند و باید بروند. آنها را به بلافهوم اخراج کردید. در گفتمان بازتوزیع عادلانه منابع در شهر، عدالت شهری افزودن به فضای عمومی شهر یعنی آنکه تجاری‌سازی شود است. اگر باغ کتاب می‌سازید از جیب مردم ساخته‌اید، چرا وواره از مردم پول می‌گیرید؟ پس این را ویژه طبقات بالا می‌کنید. اراضی خدمات رایگان شهری به‌پهنه‌های پایین‌دسـتی که تراکم جمعیتی بسیار بالایی نسبت به شمال شهر دارند، هیچ‌گاه به‌عنوان یک‌کتابخانه یا گلخانه برای سیاست شهری مورد توجه واقعی نبوده است. نتیجه ضریب جیشی شهر است و فاصله اختلاف طبقاتی در این شهر در نسبت باسی هیلز با هرندی است. اگر اینها را مقایسه کنید، می‌بینید از ضریب جینی آمریکا بیشتر است. از فاصله نیویورک با تیویس بیشتر اسـت. ما دو تهران داریم که تهران آفریقا و تهران آمریکاست. این نتیجه سه دهه سیاست‌های توسعه شهری است. توسعه‌ای که فکر می‌کند توسـعه به‌معنای انبات ثروت به‌هر قیمتی است. علی‌رغم اینکه شـهر پولدار باشد هرچند این پول‌ها در جیب یک عده باشد. اگر چنین کاری را بخواهید انجام دهید باید چند اقدام انجام دهید.»

## در مدیریت شهری هیچ‌کس حتی شعار عدالت نمی‌دهد

این جامعه‌شناس ادامه داد: «بازاندیشی پیرامون درآمدهای شهری، غیربسـیمی همانند دستفروشان و لانت‌بارها و زباله گردها و... که شهروندان این شهر هسـتند ازجمله اقداماتی است که باید انجام داد. ۶۰ هزار کودک کار در این شهر استثمار مطلق می‌شوند. به آنها تجاوز می‌شـود. ساخت مدرسه به جای ساخت انوبان، پل و تونل باید در دستور کار قرار گیرد. این شهر مدرسه در پهنه فرودست بریسـد اما تا لحظه‌ای که این اشرافی‌سازی پای خود را در منطقه ۱۷ نگذاشته و به شهری نرفته اسـت ـ که سال‌ها طول می‌کشد تا آنجا اشرافی‌سازی کننـد ـ آن پایین هم روزی می‌آمکانات‌تر می‌شود. درحالی که اینها شعار دادند می‌خواهیم شهر را زیست‌پذیر کنیم اما برای چه کسی زیست‌پذیر شده است؟»

## ثمره کلی گریانسچی تا حتاجی گران‌شدن زیست و زندگی در تهران بوده

حسینی در ادامه به همدستی دولت و مدیریت شهری در بالابردن هزینه‌های زندگی در شـهر اشاره کرد و گفت: «مهم‌ترین مفهوم یک توسـعه درحقیقت فرصت‌های دسترسی برابر اسـت. چیزی که در ادبیات اصلاح‌طلبان این شهر اهم وجود ندارد. پس آنها هم طرفدار توسعه به‌مثابه هرگونه افزایش ثروت هسـتند. اینها توسعه را اینچنین می‌فهمند، توسعه به‌معنای توسعه ثروت بلاشرط است که بدون هیچ شرطی اعم از عدالت و اشتغال و مشارکت اجرایی می‌شود. چرا در تهران این میزان سـطح مشارکت کاهش یافته است؟ چون بخش مهمی از شهروندان تهران خود را آدم این شهر نمی‌دانند و می‌گویند در چرخ و پر اداره سیاسـی، اداری، اقتصادی این شهر من هیچ کاره هسته، برای چه باید مشارکت کنم؟ تونل‌های عمیق یا برج میلاد در تهران می‌سازید. ساخت برج میلاد تقریبا در دوره کرسانچی تا انتهای دوره قالیباف طول کشید، یعنی تمام شهر در اختیار این بروژه قرار می‌گرفت؛ این چه‌فرقی با پیاده‌روهای تجاری، کافه‌گالری، بوتیک هتل و امثالهم دارد؟»

## ما با ۲ تهران مواجهیم تهران آمریکا و تهران آفریقا!

این عضو هیات‌علمی در ادامه سـراغ ارائه راهکار جایگزین رفت و در تشـریح وضعیت مطلوب و الزامات رسیدن به آن گفت: «گفتار جایگزین چیست؟ عدالت شهری به‌مثابه گفتار جایگزین است. یعنی تا تفسیر شما از توسعه و وظایف مدیریت شهری عوض نشود آش همین آش است و کاسه همین کاسه! یعنی تا وقتی شهرداری مسئول پل و انوبان است ولی مسئول مدرسه نیست، این شهر به حجم زیادی مدرسه، بیمارسـتان و محیط‌های عمومی برای اینکه آدم‌هایی که در ۴۰ متری زندگی می‌کنند نفس بکشند، نیاز دارد و وضعیت همین خواهد ماند. همه سرانه‌ها در شمال شهر اسـت. مادر منطقه‌ای که کلا ۱۰۰ هزار نفر هم زندگی نمی‌کنند پنج بیمارسـتان فوق‌تخصصی داریم. اندازه یک کشور بیمارسـتان فوق‌تخصصی در این منطقه داریم. در نقطه دیگری از شـهر که یک‌میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند سـه بیمارسـتان درست و حسابی نداریم. چرا؟ آنچه رسمی گیرن درآمدهای غیررسمی شهرداری، سازماندهی مشاغل غیررسـمی همانند دستفروشان و لانت‌بارها و زباله گردها و... که شهروندان این شهر هسـتند ازجمله اقداماتی است که باید انجام داد. ۶۰ هزار کودک کار در این شهر استثمار مطلق می‌شوند. به آنها تجاوز می‌شـود. ساخت مدرسه به جای ساخت انوبان، پل و تونل باید در دسـتور کار قرار گیرد. این شهر مدرسه در پهنه فرودست نیاز دارد. ۷۰ درصد مدرسه‌های بافت‌آباد غیراستاندارد و لاکچری است و در مدارس دولتی نمی‌توانید چنین مدرسه‌ای پیدا کنید. درحالی که پهنه پایین‌دست نه مدرسه دارد و نه فضاهای فرهنگی تجاری‌سـازی نشده. شما حتی در پایین شهر از تولید کتابخانه و قرائت‌خانه و اماکنی که فشار را کم می‌کند، سر باز زدید و به جای آن اگر سازه فرهنگی همچون فرهنگسـرا ساخته شده پول دریافت کردید. فرهنگسـرای بهمن را بابت تئاتری ساختید که از طبقه بالا بیایند و ۱۰۰ هزار تومان پول بدهند. درواقع مدیریت شـهری در سه دهه اخیر علاقه‌ای به توزیع منابع به‌صورت برابر نداشته است. از این بدتر علاقه‌ای به تولید منابع به‌صورت برابر نداشـته است. یعنی نه‌تنها در بازتوزیع ثروت‌یافت‌گی که در اختیار داشته، به‌صورت ناهمگون عمل کرده که‌توضیح می‌دهم چه‌شبهه‌هایی داشته، بلکه در تولید این منابع که درحقیقت سرمایه‌داری مسکن بوده نابرابر عمل کرده است. اگر ملک داشتید شریک مدیریت شهری بودید و اگر ملک نداشتید اخراج هستید و باید به پردیس و شهرهای اطراف بروید. درحقیقت مسـاله امروز شهر تهران نه برمبنای درآمدهای منطقه‌ای شـهر که باید برمبنای نرخ جمعیت سـاکنان و میزان دسترسی به سرانه شهری باشد. الان به طرز عجیبی چون منطقه هم‌جای آنی است. چه فرقی با پایه‌دار و‌های تجاری، کافه‌گالری، بوتیک هتل و امثالهم دارد؟ بوتیک هتل کنیوری‌سازی در محله‌ها و کافه‌ها و امثالهم، تخریب حیات اجتماعی ایثارگران شهر تهران و امثالهم است که با کسانی که مدعی زیست شـهری بودند، می‌بینیم. فروش عرصه و اعیان شهر چه از طریق قانونی و چه با وصول پول‌های غیرقانونی از صاحبان سـرمایه از استراتژی‌های اصلی همین مدیریت شهری است. همه این شعارها دروغ اسـت. زیست‌پذیر کردن شهر، به‌معنای زیست‌پذیر کردن زندگی افلاد دوسوم مردم شهر که هیچ توجهی به آنها ندارید. انگار مردم انقلاب به پایین که جمعیت اصلی شهر تهران هسـتند، اصلا شهروند شما نیسـتند. خصوصی کردن فضای عمومی و عمومی کردن فضای خصوصی از طریق منطق انباشـت سرمایه و حتی تصاحب پیاده‌راه‌های عمومی به نفع تجاری‌سـازی از مصغلات این نوع مدیریت است. وقتی داخل شهر می‌رود در پیاده‌روهای عمومی کسـب‌وکارمی‌بینید؛ کسـب‌وکارهای تجاری که‌مه‌وایستگان شهرداری واگذار شده است. مدرسه را با قیمت تمن بخس با کاربری آموزشی می‌خرند و از مردم ۳۰ میلیون پول شـهریه می‌گیرند. این مدرسـه دولتی است. فقط شما در آن ساختمان ساختید و شهرداری بابت آن هم از شما عوارض دریافت نکرده است. چرا با مردم این میزان تجاری حسـاب می‌کنید؟ مدارس غیرانتفاعی در شمال شهرها بیش از دوسـوم ارزش افزوده مالی دارند؛ یعنی از پول عمومی مردم شهر پول می‌سازند. چرا از پول مسـکن، مدرسه و بیمارسـتان اداره می‌کنید و عوارض شهری نمی‌دهید. منضبط ساختن نخوه تردد در شهر نه در جهت افزایش درآمد شهری بلکه برای کاستن واقعی از حجم ترافیک، آلودگی هوا، ارتقای سلامت عمومی باید مدنظر قرارگیرد. در این شهر مردم بسیار می‌دوند و مسـئول آن شهرداری اسـت. شهرداری هیچ باسخگویی‌ای نسـبت به بیمار نیسـتن مردم ندارد و می‌گوید به من ارتباطی ندارد و من مسـئول آن نیسـتم. شهرداری دائما مسئول حمل‌ونقل است؛ آن هم با رکزن گره‌های ترافیکی در بالای شهر؛ آنچه ویژه‌شهر تهران است که آبروی دولت جمهوری اسلامی را این محیط برده است. بازنگری در برون‌سپاری خدمات شهری باید در قالب برقی خدمات انجام شود. هر کاری شـهرداری انجام می‌دهد، در قالب برقی خدمات است. امکان بررسی تعیین سازوکار تردد در شهر در جهت کاهش آلودگی‌ها باید فراهم شـود. مسـاله اصلی شهر، ترافیک نیست بلکه آلودگی هواسـت. همین شورای شهر یک گام هم در راستای رفع آلودگی شهر قدم برنداشت. حق‌شناس در تلویزیون گفت ما آلودگی‌ها را کم کردیم. شـما گزارش کار را دادید. اگر امسـال بنا دارید چه گزارش کاری دارید؟ هیچ عملکردی در کاهش آلودگی شـهر نداشـتید و این به مافیای پزشـکی کمک کرد. کل آده‌های این شهر بیمار و مجبور شـدند به بیمارسـتان‌های خصوصی بروند و حتی در بیمارسـتان‌های دولتی پول پیمانکار خصوصی را دادند. در بیمارسـتان‌های جنوب‌شـهر بخش قلب را برون‌سپاری کردند. یعنی به‌عنوان جنوب‌شـهری بخواهید در بیمارسـتان دولتی هم بروید باید پول بدهید چون خصوصی شده است. شهرداری اینجا درسـتی از اینها گرفته نمی‌شود. درحقیقت سرمایه‌داری پزشکی در شـهر روی بستر سرمایه‌داری مسـکن ما در شورای شهر بنا حاصل از توسـعه شـهری که ایجاد کرده‌اند، مسئول نمی‌دانند. درحالی که این توسـعه شهری چه اینجا و کوک کرده است. اصلا این حجم از درآمـدسـازی و گران‌سـازی این بچه را برای چه باید انجام داد؟ سـوال این بچه را برای چه باید انجام داد؟ این شرکت‌های عظیم بورس باز، پول‌ساز و بانک‌های معظم ندارند که سال گذشته هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان نقدینگی خلق کردند. نکته دیگر توزیع عادلانه خدمات است. شهرداری خدمات‌رسان باید برای همه مردم باشد به هرندی خدمات برسانند. عمومی کردن فضای خصوصی در شهر به جای خصوصی کردن فضای عمومی یکی از مشکلات است. ما فضای همچون باغ کتاب داشتیم که آن را خصوصـی کردند. حالا باید فضاهای خصوصی‌ای را که به زور گرفته‌انـد، عمومی کنیم. جایی همچون باغ‌ملی را که درواقع این شـهر است، خصوصی کردید که آن هم‌به تمن بخس است و باید برگردد. بازنگری در نظام بازتوزیع خدمات در شـهر، افزایش سرانه‌ها در برنامه‌های پایین و بازنگری در نحوه دریافت عوارض از اماکن که زیست‌پذیر مواد است. هرچه اماکن باکیفیت‌تر است، عوارض آن باید بیشتر باشد. به رسمیت شناختن و سازماندهی مشاغل غیررسمی که شهرداری فقط آنها را کتک می‌زند؛ اگر دستفروش باشید فقط از مامورانِ شـهرداری کتک می‌خورید. یک متر از شهر هم سهم ندارید. سازماندهی وضعیت کودکان کار و زباله‌گرد که آبروی دولت جمهوری اسلامی را این محیط برده است. بازنگری در برون‌سپاری خدمات شهری باید در قالب برقی خدمات انجام شود. هر کاری شـهرداری انجام می‌دهد، در قالب برقی خدمات است. امکان بررسی تعیین سازوکار تردد در شهر در جهت کاهش آلودگی‌ها باید فراهم شـود. مسـاله اصلی شهر، تراف